

(بررسی مولفه های تاثیر گذار بر کیفیت اجتماع پذیری زنان در فضای عمومی)

فاطمه شیرخان امامی^{۱*}، ژاله صابر نژاد^۲،

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

۲- دکترای معماری ، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

⋮

چکیده

ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس های مختلف شهری در دهه های اخیر تلاشی در جهت رفع نیاز اجتماعی انسان به فضاهای عمومی بوده است. حضور افراد در این فضاها منجر به اجتماع پذیری فضای عمومی و عاملی در جهت موفقیت فضا است. حال مقیاس های نزدیک به هم نداشتن ویژگی ها و معیارهای فضاهای عمومی موفق و عدم معیارهایی جهت اجتماع پذیری فضاها منجر به خالی و رانده شدن فضاها شده است. از این لحاظ شناسایی معیارهای ایجاد کننده و ارتقادهنده اجتماع پذیری در فضاهای عمومی ضروری است. در مقاله حاضر، سعی شده به یافتن عوامل تاثیر گذار بر اجتماع پذیر یدر فضای عمومی با اولویت قراردادن نیازهای زنان پرداخته شود. این مطلب به این علت اهمیت دارد که هرچند در سال های اخیر تلاش شده به مسائل زنان توجه بیشتری شود اما تاکنون سیاست گذاریها نتوانسته است شرایطی فراهم کند که در آن زنان در محیطی اجتماعی و عمومی رویکردی به افزایش اجتماع پذیری داشته باشند. شاید در گذشته این اتفاق در محیطی کاملاً زنانه رخ می داد و در حال حاضر بتوان دانشگاه را مثال فضای عمومی و مناسب برای حضور فعال زنان و خودشکوفایی آنان دانست اما به نظر می رسد با برشی از جامعه امروزی، ارزش ها و گرایش ها، شرایط ساختاری و زیربنایی برای حضور زنان نیاز به بازنگری داشته و می بایست با دسته بندی بایدها و نبایدها و پیگیری آنها در شرایط کنونی و نهایتاً تبدیل آنها به یک مبانی نظری فراگیر بتوان گامی رو به جلو داشت.

واژه های کلیدی: زنان، فضای عمومی، فعالیت، اجتماع پذیری

۱- مقدمه

واقعیت امر این است که هدف اغلب راه های پیموده شده برای بهبود محیط زندگی نه فقط ارتقای کیفیت محیط، بلکه رسیدن به هدفی ورای آن، یعنی جامعه مدنی و خودشکوفایی شهروند است. شرایطی که در آن شهرنشین خواه مرد باشد یا زن، جوان باشد یا پیر، تبدیل به انسانی سالم، عاقل، متعهد، مسئول و نقاد باشد. شخصی که چه به صورت گروهی و یا فردی در ساختن سرنوشت خود سهیم باشد. شرایطی که در آن نه از عوامگرایی خبری باشد و نه از نخبه گرایی، نه قوانین مرد سالاری حاکم باشد و نه پدرسالاری، هرکس تمایل و توان آن را داشته باشد تا گامی در راستای سعادت و سلامت جامعه خود بردارد. به همین خاطر نباید حتی به صورت ناخودآگاه شهروندان را به عنوان تعدادی مرد میانسال، سالم، پرتوان، عاقل و منطقی تصور کرد. زمان آن فرا رسیده است که رویکرد طراحی تغییر داده شود و شهروندان را به مثابه انسان هایی با شرایط مختلف و نیازها و خواسته های متفاوت به رسمیت شناخت.